



A Dynamic Model of Economic-Vocational Education based on the Fundamental Transformation Document in the Elementary School Curriculum

Shahrbanoo khoshkab¹

Doi:

10.30497/esi.2025.247235.1864



Abstract

The present article aims to present a dynamic model of economic-vocational education based on the Fundamental Transformation Document in the elementary school curriculum and was conducted using a mixed method (sequential exploratory). In the qualitative section, data were collected using a meta-synthesis method and analyzed using a content analysis approach. The research area included all domestic scientific articles related to the research topic for the years 1390 to 1401 in the context of domestic electronic scientific databases including; the National Publications Database, the Islamic World Science Citation Database, the specialized journals Noor, Magiran, Civilica, and Elmnet. Based on the entry and exit criteria for selecting selected research, 14 articles were selected from 74 identified and related studies and the resulting data were analyzed using the content analysis method with MAXQDA software. The result of data analysis in the qualitative section was the identification of 74 primary themes and 30 basic themes, which were categorized under six indicators of the economic-vocational education area of the Fundamental Transformation Document. In the quantitative part, with the aim of modeling the economic-vocational education system, the system dynamics modeling method, which is a method for analyzing the behavior of variables in complex systems, was used. Based on the stages of system dynamics modeling, first the causal loops of the themes and indicators were drawn using the data obtained from the qualitative part of the research, and then by designing the dynamic model of the economic-vocational education curriculum, the behavior of key variables was analyzed over a ten-year time horizon (1398-1408). The research achievement suggests a suitable tool for upgrading and improving the traditional scenarios of the elementary economic education curriculum.

Keywords: economic education, fundamental transformation document, field of economic and professional education, dynamic modeling of the system.

1. Assistant Professor, Department of Educational Administration, Farhangian University, Tehran, Iran.
khoshkab@cfu.ac.ir

الگوی پویای تربیت اقتصادی - حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین در برنامه درسی دوره ابتدایی

شهربانو خشکاب^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

Doi: 10.30497/esi.2025.247235.1864

چکیده

پژوهش حاضر با هدف عرضه الگوی پویای تربیت اقتصادی - حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین در برنامه درسی دوره ابتدایی و به‌روش آمیخته (اکتشافی متوالی) انجام شده است. در بخش کیفی، داده‌ها با استفاده از روش فراترکیب گردآوری و با رویکرد تحلیل مضمون تحلیل شده‌اند. محدوده پژوهش، مشتمل بر تمام مقالات علمی داخلی مرتبط با موضوع طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ در بستر پایگاه‌های اطلاعاتی علمی الکترونیکی داخلی، شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، مجلات تخصصی نور، مگیران، سیویلیکا و علم‌نت است؛ بدین شرح که براساس معیارهای ورود و خروج برای انتخاب پژوهش‌های منتخب، از میان ۲۸ مطالعه شناسایی شده و مرتبط، چهارده مقاله برگزیده و داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون توسط نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. حاصل تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، شناسایی هفتاد و چهار مضمون اولیه و سی مضمون پایه بود که ذیل شش شاخص ساحت تربیت اقتصادی - حرفه‌ای سند تحول بنیادین مقوله‌بندی شدند. در بخش کمی با هدف الگوسازی سیستمی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای از روش الگوسازی پویایی سیستم استفاده شد که روشی برای تجزیه و تحلیل رفتار متغیرها در سیستم‌های پیچیده است. براساس مراحل الگوسازی پویایی سیستم، ابتدا حلقه‌های علی مضامین و شاخص‌ها با استفاده از داده‌های حاصل شده از بخش کیفی پژوهش ترسیم و سپس با طراحی الگوی پویایی برنامه درسی تربیت اقتصادی - حرفه‌ای، رفتار متغیرهای کلیدی در افق زمانی ده‌ساله (۱۳۹۸-۱۴۰۸) تحلیل شد. دستاورد پژوهش، ابزاری مناسب را برای ارتقا و بهبود سناریوهای ستنی برنامه درسی تربیت اقتصادی دوره ابتدایی پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: تربیت اقتصادی، سند تحول بنیادین، ساحت تربیت اقتصادی - حرفه‌ای، مدل‌سازی پویای سیستم

بیان مسئله

شتاب، عمق و گستردگی تحولات قرن بیست و یکم سبب شده است شکاف میان یادگیری رسمی با نیازها و واقعیات جامعه همواره عمیق‌تر شود و ارتباط و اثر برنامه‌های درسی موجود با زندگی واقعی کاهش یابد. شتاب تحولات درحوزه رشد و سلامت اقتصادی به‌عنوان یکی از نیازها و واقعیات اساسی جامعه (Hota, 2023) نیز به ایجاد فاصله میان درک و برداشت آحاد جامعه از اقتصاد و رویدادهای اقتصادی با واقعیتهای موجود انجامیده است. در چنین وضعیتی طراحی و تدوین برنامه‌های درسی سنجیده و کاربردی با اتکا به دانش و سواد اقتصادی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

از میان دوره‌های مختلف تحصیلی، آموزش و پرورش ابتدایی به‌علت ماهیت بنیادین و کارکردهای ویژه آن اهمیت فراوان دارد. در بسیاری از جوامع، نظام آموزش ابتدایی و برنامه‌های درسی این دوره برای ارتباط با نیازهای آینده، بازنگری، اصلاح و به‌شیوه‌ای نوآورانه سازمان‌دهی شده‌اند (Tuong and Doan, 2020). شواهد علمی بیانگر آن است که دانش‌آموزان دوره ابتدایی برای درک مفاهیم مالی از توانمندی لازم برخوردارند (Kourilsky, 1997) و آموزش مفاهیم اقتصادی و مالی به آنان سواد، دانش و رفتارهای مالی‌شان را ارتقا می‌دهد (Tuong and Doan, 2020). بسیاری از کشورها برای فرهنگ‌سازی درحوزه اقتصاد، تربیت اقتصادی را در بطن برنامه‌های درسی از کودکی تا بزرگسالی قرار داده‌اند (Varvarigos, 2020)؛ البته همان‌گونه که برونر در طراحی برنامه درسی مارپیچی^۱ تأکید کرده (سیف، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۰)، پرداختن به این مسئله در برنامه درسی دوره ابتدایی، مستلزم آن است که برنامه‌ریزان درسی، پیچیدگی‌های مفاهیم و شاخص‌های تربیت اقتصادی دوره ابتدایی را در طراحی و تدوین سرفصل مطالب و محتوای یادگیری، متناسب با سطح رشد شناختی دانش‌آموزان لحاظ کنند.

به‌رغم اهمیت تربیت اقتصادی از دوره تحصیلات ابتدایی، براساس گزارش مجمع توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۲، نتایج آزمون پیزا (۲۰۱۵) روی ۴۸ هزار دانش‌آموز پانزده‌ساله از پانزده کشور درخصوص دانش و مهارت نوجوانان درحوزه مسائل پولی و امور مالی شخصی

1. Spiral Curriculum
2. OECD

آن‌ها نشان می‌دهد حدود یک‌چهارم دانش‌آموزان مورد مطالعه در تصمیم‌سازی‌های ساده برای تأمین مخارج روزانه خود ناتوان هستند و تنها یک‌دهم آنان قادرند مسائلی پیچیده مانند مالیات بر درآمد را درک کنند (گویا، فیروزبان و غلام‌آزاد، ۱۳۹۸). اگر هدف اصلی از آموزش اقتصاد، بهبود سواد اقتصادی دانش‌آموزان است، نباید آموزش آن تا پایان دوره تحصیلات عمومی به تأخیر بیفتد (Kang, 2007).

در کشور ما نیز هنوز برخی افراد این دیدگاه را مطرح می‌کنند که آموزش اقتصاد، به رشته تخصصی دانشگاهی محدود می‌شود و تصور رایج از تعلیم و تربیت اقتصادی، عاری از ملاحظات و کارکردهای خاص مورد نظر در ادبیات اقتصادی با هدف فرهنگ‌سازی و مدیریت رفتار اقتصادی شهروندان است (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰). پیامد این برداشت به صورت فقدان و ضعف مهارت، دانش و نگرش‌های اقتصادی دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور، با ورود به زندگی خانوادگی و عهده‌دار شدن مسئولیت‌های اجتماعی مختلف آشکار می‌شود (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵). افزون بر این قبیل دیدگاه‌های بازدارنده، تلاش‌های اخیر نظام تعلیم و تربیت ایران با تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در راستای ترسیم چشم‌انداز مطلوب و تحقق بخشیدن زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف و در چهارچوب شش ساحت تربیتی و از جمله ساحت «تربیت اقتصادی» براساس نظام معیار اسلامی (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) چندان اثربخش نبوده است. هم‌اکنون که بیش از یک دهه از زمان تصویب این سند می‌گذرد، نگرانی‌های اساسی در خصوص حرکت منظم نظام آموزش و پرورش کشور به سمت تحقق یافتن اهداف مورد نظر از آن وجود دارد و در حوزه اصول و مبانی نظری مندرج در سند مورد بحث و نیز اعمال و کاربست آن‌ها ضعف‌ها و نواقص قابل ملاحظه‌ای گزارش شده است؛ مثلاً شواهد موجود نشان می‌دهد اثرات تربیت اقتصادی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ضعیف است و برنامه درسی رسمی موجود در نظام آموزشی نتوانسته به صورت شایسته به تربیت اقتصادی کودکان و نوجوانان بپردازد (کاکوجوباری، ۱۳۹۱) و به نوعی، کمترین تأکید در برنامه‌های درسی بر ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای صورت گرفته است (وفایی، فضل‌اللهی قمشی و طالعی فرد، ۱۳۹۶). از سویی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، صرفاً به بیان کلیات بسنده شده، بعضی مفاهیم اقتصادی مهم، نادیده گرفته شده، چگونگی و نوع تلفیق مفاهیم بیان نشده و عناصر مهم

برنامه درسی به‌خوبی مشخص نشده است (ابراهیمی هرستانی، ۱۳۹۷). مهم‌تر اینکه در وضعیتی که سنجش سواد مالی در میان کودکان و نوجوانان، ضروری است، حتی ابزار مناسب برای سنجش سواد مالی این افراد در کشور وجود ندارد (روشندل، امیری و طغیانی، ۱۳۹۷). از این واقعیت‌ها می‌توان استنباط کرد که دستاورد تلاش‌های صورت‌گرفته به‌گونه‌ای نبوده است که کاستی‌ها و چالش‌های این حوزه را رفع کند یا کاهش دهد.

تمرکز بر تربیت اقتصادی با پیشگامی ایالات متحده در سال ۱۹۴۹ در تشکیل شورای مشترک تربیت اقتصادی، معطوف به فرهنگ‌سازی تربیت اقتصادی و بهره‌مندی از برنامه‌های درسی نیازسنجی‌شده‌ای بود که وجوه متنوع مفاهیم و الزامات تربیت اقتصادی را دربر گیرد (Akarowhe, 2018). این مهم، تلاش‌های علمی متعددی را برای شناسایی وجوه مفاهیم و مضامین محوری تربیت اقتصادی در برنامه درسی همراه داشته است. دارمایانتی و خیرالنسا^۱ (۲۰۲۴) در طراحی مازول تدریس ادبیات اقتصادی درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، مؤلفه‌های پول، کسب درآمد، فعالیت‌های اقتصادی، بودجه‌بندی، هزینه، پس‌انداز، اشتراک‌گذاری و تمرین‌های توسعه ایده‌های تجاری را معرفی و بر وضعیت و میزان نامطلوب و ناکافی آموزش سواد مالی در مدارس ابتدایی تأکید کردند. فرناندو و اریتا^۲ (۲۰۲۳) در بررسی الگوی درآمد، هزینه و مخارج معلمان مدارس ابتدایی، مؤلفه‌های مدیریت منابع و بودجه، مهارت تصمیم‌گیری مالی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری، و مسئولیت‌پذیری مالی را برای تدوین برنامه درسی آموزش سواد اقتصادی پیشنهاد دادند. چن، لین و وان^۳ (۲۰۲۱) در مطالعه تأثیر علی آموزش اقتصاد بر تصمیم‌گیری، اثرگذاری آموزش اقتصاد بر باورهای اجتماعی و رفتارهای عادلانه را تأیید کردند. لوساردی^۴ (۲۰۱۹) آموزش اقتصادی را ابزار لازم در تصمیم‌گیری سالم اقتصادی برای دانش‌آموزان و دانشجویان معرفی کرده است. آکاروهو (۲۰۱۸) تربیت اقتصادی را عبارت از پرورش‌دهی مهارت‌ها، ارزش‌ها و قابلیت‌هایی در فراگیران دانسته است که از نظر استخدام‌کنندگان نیروی کار و جامعه، مطلوب هستند.

-
1. Darmayanti and Khairunnisa
 2. Fernando and Arrieta
 3. Chen, Lin and Wang
 4. Lusardi

آنتونی، اسمیت و میلر^۱ (۲۰۱۴) تربیت اقتصادی را عامل شکل‌گیری سواد، دانش و مهارت اقتصادی^۲ لازم جهت مواجهه با مسائل و مشکلات اقتصادی در زندگی روزمره فراگیران به‌شمار آورده‌اند. به‌زعم والستد^۳ (۲۰۰۷)، دانش‌آموختگان نظام آموزشی کشور در سراسر زندگی خود به‌عنوان سرپرستان خانواده، مصرف‌کنندگان، شهروندان و رأی‌دهندگان، تصمیمات و انتخاب‌های اقتصادی فراوانی خواهند داشت و بنابراین، سرمایه‌گذاری برای تربیت اقتصادی افراد اهمیت فراوان دارد.

اصلانی، والا و ناظم (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با شناسایی شاخص‌های تربیت اقتصادی با رویکرد کارآفرینی در دوره ابتدایی، به این مباحث پرداخته‌اند: شناخت توانمندی‌ها و استعدادها، برنامه‌ریزی و هدف‌گرایی و خلاقیت و نوآوری در ادراک مسئله و حل آن؛ هدفمندی و انگیزه سالم، عدالت و التزام به قانون‌گرایی و اصل خیرخواهی و توجه به معنویات؛ فرصت‌های بازار و سازوکارهای آن، سواد مالی و ابزارهای آن و سواد اقتصادی و مفاهیم آن؛ و مهارت‌های ارتباطی و مدیریت و توانایی شبکه‌سازی. ویسه، ناطقی و رضایی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با طراحی الگوی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای دانش‌آموزان متوسطه، مفاهیم درک مهارت حرفه‌ای، پرهیز از بیکاری، رعایت بهره‌وری، کارآفرینی، توسعه ثروت، اخلاق حرفه‌ای، قوانین کسب‌وکار، التزام به اخلاق و ارزش‌ها و عدالت اقتصادی را ارائه کرده‌اند. ناصرالمعمار، سبجانی و حسن‌مرادی (۱۴۰۰) در مقاله خود، با هدف طراحی برنامه آموزش سواد مالی، مؤلفه‌های آموزش دانش مالی، آموزش ارتباط مالی، توانمندسازی مالی، آموزش رفتار مالی، اعتماد مالی و نظارت مالی را ارائه کرده‌اند. آداک و یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۸) با هدف تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی با تأکید بر تربیت اقتصادی، مؤلفه‌های کمیابی و انتخاب، تصمیم‌گیری، پول، صرفه‌جویی، پس‌انداز، درآمد، تولید، مصرف، بازار و قیمت، هزینه، منابع طبیعی، منابع انسانی، کارآفرینی، کار یا شغل، مبادله، کالا و خدمات، سود و زیان، بودجه، صنعت، تجارت و بازرگانی، اهمیت و ارزش کار، توجه و تشویق به همکاری، و اهمیت و ارزش تلاش و پشتکار را ارائه کرده و اذعان داشته‌اند توزیع مضامین تربیت اقتصادی با محتوای دانشی، عاطفی و مهارتی، متفاوت و نامتعادل است. کشتی‌آرای، عمادزاده، و یزدانی (۱۳۹۷)

-
1. Anthony, Smith and Miller
 2. Economic Literacy and Skills
 3. Walstad

در مقاله‌ای تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، دانش‌محوری، فسادستیزی، تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی مردم، خودکفایی در اقلام راهبردی، مردم‌محوری، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدید و کاهش وابستگی به درآمد نفت را به‌عنوان مضامین برنامه درسی اقتصادی شناسایی کرده‌اند. علیپور، ناطقی و فقیهی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تولید، توزیع و مصرف را به‌عنوان مضامین تربیت اقتصادی بررسی کرده و اذعان داشته‌اند توزیع این مضامین در کتاب‌ها فاقد نظم منطقی است. احمدی، امام‌جمعه و علیزاده کتلولی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ریاضی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی، مفاهیم درآمد و حرفه، مدیریت پول، مدیریت اعتبار و بدهی، مدیریت ریسک، عرضه، تقاضا، قیمت و تورم به‌عنوان مضامین تربیت اقتصادی نشان داده‌اند توزیع مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی تفاوت دارد و به مؤلفه‌های سواد اقتصادی، بیشتر از سواد مالی پرداخته شده است. سیدی، درتاج و جلالی (۱۳۹۰) با بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی نشان داده‌اند عرضه مضامین در کتاب‌های درسی، بیشتر به‌صورت نظری انجام شده است و نظم خاصی بر آن‌ها حاکم نیست.

درپی جمع‌بندی موارد یادشده درمی‌یابیم در مطالعات پیشین، الگوهای مشتمل بر مؤلفه‌های تربیت اقتصادی، عمدتاً پراکنده بوده است و یک رویکرد و روند ساختاریافته، دسته‌بندی‌شده، جامع و منسجم در آن‌ها وجود ندارد. از سوی دیگر، میزان توجه و پرداختن به شاخص‌های تربیت اقتصادی در ابعاد مختلف و با عنایت به وضعیت آن‌ها در منابع درسی از نظم و قاعده نیازسنجی‌شده و متقنی تبعیت نمی‌کند و اساساً هیچ‌گونه الگوی پیش‌بینی برای برآورد سنجیده و علمی شاخص‌های تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت به‌ویژه در ایران به‌دست داده نشده است؛ بدین ترتیب، سؤال اساسی این است: مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی مبتنی بر شاخص‌های ساحت اقتصادی- حرفه‌ای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در چهارچوب برنامه درسی مصوب بتوانند ماده اولیه لازم برای تولید محتوای درسی اثربخش در این عرصه را فراهم آورند، کدام‌اند؟ از سویی تغییرات و پویایی موردانتظار و مطلوب این شاخص‌ها با توجه به وضعیت پایه در طول زمان، چگونه باید باشد؟ در پژوهش حاضر، برای پاسخ‌گویی به این سؤالات اصلی، اهداف ذیل را در نظر داریم:

- (الف) طراحی الگوی پویای تربیت اقتصادی- حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه درسی دوره ابتدایی؛
- (ب) تعیین مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه درسی دوره ابتدایی؛
- (ج) مقوله‌بندی مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه درسی دوره ابتدایی؛
- (د) ترسیم حلقه‌های روابط علت و معلولی مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه درسی دوره ابتدایی؛
- (ه) ترسیم الگوی حالت- جریان و تعیین روند پویایی رفتار سیستمی مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه درسی دوره ابتدایی.
- بنابراین، در مطالعه حاضر، در گام نخست، شناسایی و درک چیستی و ماهیت مؤلفه‌های تربیت اقتصادی براساس شاخص‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در چهارچوب و ساختاری نظام‌مند و طبقه‌بندی‌شده موردنظر است و در گام دوم، مبتنی بر الگوی شناسایی‌شده، نیازسنجی مفاهیم و مضامین تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در چهارچوب الگوی تجربی با رویکرد پویایی سیستم در آن پی گرفته می‌شود.

روش پژوهش

مقاله حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و از نظر ماهیت داده‌ها و سبک تحلیل در زمره پژوهش‌های آمیخته با رویکرد اکتشافی متوالی قرار می‌گیرد؛ بر این اساس، در تحقیق پیش‌روی، از ترکیب روش کیفی متاستز و رویکرد پویایی سیستم استفاده شده است. در بخش کیفی، هدف رهیافت فراترکیب، یکپارچه‌کردن چندین مطالعه و ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری بوده است. رویکرد کیفی فراترکیب بر مطالعات کیفی متمرکز است و به کیفیت ترجمه مطالعات کیفی و فهم عمیق پژوهشگر بازمی‌گردد؛ به عبارت دیگر، فراترکیب را می‌توان ترکیب تفسیر تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعات منتخب دانست (Zimmer, 2006). مهم‌ترین مزیت روش فراترکیب برای پژوهشگران، توانایی آن در شناسایی مضامین مشترک و ساختن چهارچوب‌های مفهومی از ادبیات مرتبط است (Carlson and Palmer, 2016, p. 131). رهیافت فراترکیب با ترکیب

پژوهش‌های کیفی مختلف و در راستای فراهم آوردن نگرش و دیدگاهی نظام‌مند برای پژوهشگران، موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی را کشف می‌کند، موجب ارتقا و بهبود دانش موجود می‌شود و در نتیجه، چشم‌اندازی جامع و گسترده را درخصوص مسائل پدید می‌آورد (Sandelowski et al., 2007). حوزه و منبع اطلاع‌رسان کلیدی پژوهش در بخش کیفی، تمام مطالعات علمی منتشر شده مرتبط با موضوع این تحقیق بوده است. به منظور جست‌وجو و انتخاب منابع معتبر علمی براساس کلیدواژه‌های «اقتصاد دانش بنیان»، «اقتصاد مقاومتی»، «اقتصاد آموزش»، «اقتصاد اسلامی»، «تربیت اقتصادی- حرفه‌ای»، «اهداف تربیت اقتصادی»، «اصول تربیت اقتصادی»، «برنامه درسی تربیت اقتصادی»، «روش‌های تربیت اقتصادی»، «سنتز پژوهی»، «پویایی سیستم»، «الگوی پویایی سیستم» و «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» از پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر داخلی، شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، مجلات تخصصی نور، مگیران، سیویلیکا و علم نت در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ استفاده شده است. حاصل جست‌وجوی منابع علمی در حوزه مورد مطالعه، شناسایی ۲۸ منبع علمی معتبر مرتبط با موضوع پژوهش بود که از میان آن‌ها با هدف گزینش سنجیده منابع، بخش‌های عنوان، محتوا، کیفیت و دستاوردهای مطالعات شناسایی شده براساس معیارهای ورود به مطالعه^۱ (حداکثر تناسب منابع گزینشی با موضوع پژوهش؛ تمرکز بستر اجرای پژوهش در نهاد آموزش و پرورش؛ انتشار مطالعات منتخب از سوی ناشران و پایگاه‌های منابع علمی الکترونیکی و چاپی معتبر؛ تناسب قابل قبول دستاورد مطالعات منتخب برای پیگیری اهداف پژوهش) و معیارهای خروج^۲، اجرای فعالیت‌های پژوهشی در عرصه‌هایی غیر از نظام آموزش و پرورش و مرتبط با موضوع تربیت اقتصادی، بررسی و ارزیابی شدند و در نهایت، چهارده پژوهش معیار برای ورود به مرحله مرور تمام متن انتخاب و بررسی شد. به منظور تحلیل داده‌های کیفی از فلسفه تفسیرگرایانه و رویکرد استقرایی با روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون، نخستین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید آن را فراگیرند؛ زیرا این روش، مهارت‌های اصلی مورد نیاز برای اجرای بسیاری از دیگر روش‌های تحلیل کیفی را فراهم می‌کند (Braun and Clarke, 2006, p. 76). تحلیل مضمون، راهبردی برای تقلیل و تحلیل داده‌هاست که توسط آن، داده‌های کیفی

-
1. Inclusion Criteria
 2. Exclusion Criteria

تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌شوند و می‌توان آن را در بیشتر روش‌های کیفی به‌کار گرفت (Given, 2008, p. 867). تحلیل مضمون به شکل‌های گوناگونی همچون شبکه مضامین، مضامین مشهود و مکنون، مضامین متن‌محور و مضامین نظریه‌محور، قابل اجراست (Given, 2008, p. 7). در این پژوهش از روش شبکه مضامین استفاده شده است که براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای یک پدیده (مضامین پایه) را از متن بیرون می‌کشد؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر (مضامین سازمان‌دهنده) دست می‌یابد. در گام سوم، این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده می‌شوند و به‌صورت مضامین حاکم بر کل متن (مضمون فراگیر) درمی‌آیند (Attride-Stirling, 2001, p. 389). به‌منظور بررسی روایی^۱ یا باورپذیری^۲ ابزار پژوهش در بخش کیفی از روش کنترل اعضا، مناسب‌بودن مبنای داوری تفسیرها و رویکرد بازبینی ازسوی همکار استفاده شده است. قابلیت پایایی یا انتقال‌پذیری^۳ نیز به‌روش پایایی بازآزمون و توافق بین دو کدگذار، شامل کدگذاری مجدد در زمان‌های مختلف ازسوی پژوهشگر ارزیابی شد.

در بخش کمی پژوهش، با هدف الگوسازی سیستمی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در برنامه درسی براساس شاخص‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، از روش مدل‌سازی پویایی سیستم استفاده شده است. مدل‌سازی پویایی سیستم، روشی برای تجزیه و تحلیل رفتار متغیرها در سیستم‌های پیچیده است که به‌دلیل برخورداری از نگرش سیستمی و یکپارچه و نگاه غیرخطی به مسائل، انطباق با مسائلی از زمینه‌های گوناگون، استفاده از رویکرد کیفی در طراحی مدل درکنار استفاده از روش‌های کمی در شبیه‌سازی، و انعطاف دربرابر بزرگ شدن مرزهای مسئله و افزایش تعداد متغیرها و تغییر روابط، قادر است برخی ضعف‌های روش‌های سنتی را برطرف سازد (Werner and Desimone, 2009). روش مدل‌سازی پویایی سیستم، شامل پنج گام است: نخست، شناسایی و تعریف (چهارچوب‌بندی) مسئله که مهم‌ترین گام در مدل‌سازی به‌شمار می‌آید؛ دوم، مدل مفهومی (نمودار حلقه علی) که پس از شناسایی فرضیه‌های پویا، ازطریق ساختن آن می‌توان رابطه بین پدیده‌ها را بیان کرد؛ سوم، ترسیم نمودار جریان مدل؛ چهارم، شبیه‌سازی و اعتبارسنجی مدل؛ پنجم، تعریف‌کردن سیاست‌های مختلف، و انتخاب و

-
1. Validity
 2. Credibility
 3. Transferability

پیاپی سازی راه حل مناسب (Sterman, 2000). شبیه سازی الگوی سیستمی، مستلزم به کارگیری داده های مبنای و بدین منظور، از داده های حاصل از تحلیل مضمون منابع علمی معتبر و فراوانی مضامین پایه شناسایی شده در بخش کیفی پژوهش استفاده شده است. با استفاده از داده های حاصل از بخش کیفی پژوهش، با رویکرد پویایی سیستم، حلقه های علی و معلولی و نمودار جریان ترسیم و متغیرها در محیط نرم افزار (Vensim) برای افق زمانی ده ساله (۱۳۹۸ تا ۱۴۰۸) شبیه سازی شدند و بدین ترتیب، تأثیر عامل زمان بر سیاست برنامه ریزی مفاهیم تربیت اقتصادی- حرفه ای در برنامه درسی آزموده شد.

یافته های پژوهش

منطبق با روش شناسی پویای سیستم، یافته های پژوهش در پنج گام بدین شرح تشریح شدند: ساختار بندی مسئله، طراحی مدل علی، طراحی مدل پویایی سیستم (نمودار حالت- جریان مدل پویایی سیستم)، شبیه سازی و شناسایی سیاست های ارتقای تربیت اقتصادی (در چهارچوب شاخص های تربیت اقتصادی- حرفه ای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش).

ابتدا با هدف ساختار بندی مسئله، مطالعه منابع آرشیوی و کتابخانه ای، شامل مقالات علمی معتبر مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت و بدین ترتیب، مطالعات و پژوهش های موجود در حوزه تربیت اقتصادی در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران طی بیش از یک دهه اخیر واکاوی و تحلیل مضمون شدند. پس از بررسی متن منابع علمی منتخب، ابتدا ۷۴ مضمون مرتبط با موضوع پژوهش استخراج و بعد از تصفیه، غربالگری و حذف مضامین تکراری با استفاده از روش تحلیل مضمون، سی مضمون پایه شناسایی شدند. مضامین پایه ذیل شش مضمون سازمان دهنده ثانویه مقوله بندی شدند که برگرفته از شاخص های ساحت تربیت اقتصادی- حرفه ای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است؛ سپس در سطحی انتزاعی تر، مضامین سازمان دهنده ثانویه ذیل سه مضمون سازمان دهنده اولیه دسته بندی شدند و زیر سیستم های مدل پویای تربیت اقتصادی براساس آن ها طراحی و مفهوم سازی شد. اطلاعات مرتبط با تحلیل مضامین و دسته بندی آن ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های اصلی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای برنامه درسی ابتدایی مستخرج از منابع علمی منتخب در چهارچوب شاخص‌های ساحت تربیت اقتصادی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده اولیه	مضامین سازمان دهنده ثانویه	منابع
تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در برنامه درسی ابتدایی	اصول دانشی و مهارتی	درک و فهم مسائل اقتصادی	پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰؛ کشتی‌آرای، عمادزاده و یزدانی، ۱۳۹۷؛ سیدی و احمدی، ۱۳۹۹؛ ناصر المعمار، سبحانی و حسن مرادی، ۱۴۰۰؛ شادفر، نیلی و قاسمی، ۱۳۹۶
	تدبیر معاش و زندگی اقتصادی	انفاق؛ قناعت؛ صرفه‌جویی؛ اسراف؛ پرهیز از بیکاری؛ سواد اقتصادی؛ هزینه فرصت؛ صرفه‌جویی در وقت و منابع آموزشی؛ رشد مهارت‌ها و دانش اقتصادی؛ تصمیم‌گیری اقتصادی درست برای آینده؛ مدیریت اقتصادی کارآمد در خانواده؛ مهارت‌آموزی در کیفیت خرید؛ سامان‌بخشی معیشت	پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰؛ آداک و یوسف‌زاده چوسری، ۱۳۹۸؛ سیدی و احمدی، ۱۳۹۹؛ کشتی‌آرای، عمادزاده و یزدانی، ۱۳۹۷؛ قندهاری، مهر محمدی، طلایی و فرجی دیزجی، ۱۳۹۸
	اصول ارزشی و هنجاری	التزام به اخلاق و ارزش‌ها؛ شرایط مصرف؛ ممنوعیت‌های مصرف؛ نفی بهره و ربا؛ حلیت اموال مصرفی؛ نفی تقلید و مدگرایی؛ انفاق بدون اذیت؛ میانه‌روی؛ رعایت حقوق دیگران	طهماسب‌زاده شیخ‌لار، مرادی، ادیب و اصغری‌پور، ۱۳۹۹؛ قبادی، نظری، گراوند و شاه‌رخ، ۱۳۹۸؛ ناصرالمعمار، سبحانی و حسن مرادی،

کاهش هزینه و مصرف، و در نتیجه، تقویت و تعدیل بازار و قیمت بازار می‌انجامد. از سویی تخصیص بهینه منابع نیز تقویت تولید و درآمد، کاهش هزینه و مصرف، و در نتیجه، تقویت و تعدیل بازار و قیمت بازار را در پی دارد.

حلقه تدبیر معاش و زندگی اقتصادی: نوع حلقه تقویت‌کننده و مسیر حلقه گویای آن است که مدیریت اقتصادی کارآمد در خانواده، قناعت و صرفه‌جویی، و سامان‌بخشی معیشت به تقویت تصمیم‌گیری اقتصادی درست برای آینده منجر می‌شود.

حلقه غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی: نوع حلقه تقویت‌کننده و مسیر حلقه گویای آن است که کسب‌وکار مولد، کارآفرینی، و تلاش و پشتکار به تقویت سیاست‌های اقتصادی- مالی منجر می‌شود؛ همچنین تولید داخلی بر سیاست‌های اقتصادی- مالی اثرگذار است.

حلقه رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی: نوع حلقه، تقویت‌کننده و مسیر حلقه، گویای آن است که توزیع عادلانه ثروت، اخلاق و احکام اقتصادی، صدقه و کمک به نیازمندان، خمس و زکات، انفاق، انصاف و عدالت به تقویت کسب روزی از راه‌های درست و مشروع منجر می‌شود؛ همچنین توزیع عادلانه درآمد به تقویت انصاف، عدالت، و سیاست‌های اقتصادی و مالی می‌انجامد.

حلقه فقر، فساد و تبعیض: نوع حلقه، تضعیف‌کننده و مسیر حلقه گویای آن است که مفاسد اقتصادی و اسراف به تضعیف سیاست‌های اقتصادی و مالی منجر می‌شود.

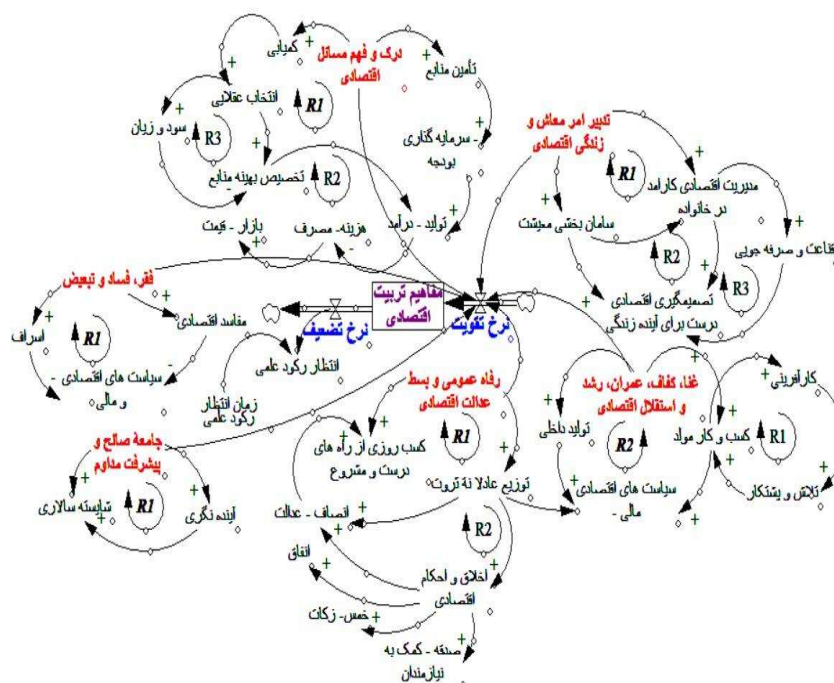
حلقه جامعه صالح و پیشرفت مداوم: نوع حلقه، تقویت‌کننده و مسیر حلقه گویای تقویت شایسته‌سالاری در نتیجه آینده‌نگری است.

برای مدل‌سازی ساختارهای حالت و جریان، علاوه بر متغیرهای شناسایی شده در نمودار علی، شناسایی متغیرها و پارامترهای جدیدی لازم است که به واسطه آن‌ها محاسبات روابط ریاضی میان متغیرها تسهیل می‌شود. همان‌گونه که در جدول ۲ می‌بینیم، با توجه به ساختاردهی مسئله و زیرسیستم‌های تقویت تربیت اقتصادی، تضعیف تربیت اقتصادی، رکود علمی، انتظار رکود علمی، زمان رکود علمی و نمودار علی، مدل‌سازی کمی صورت گرفته است.

جدول ۲. نوع و واحدهای متغیرهای مدل پویایی سیستم تربیت اقتصادی

واحد	نوع	متغیرهای مدل	واحد	نوع	متغیرهای مدل
Concept	حالت	تربیت اقتصادی	Concept/Year	نرخ	نرخ تقویت تربیت

واحد	نوع	متغیرهای مدل	واحد	نوع	متغیرهای مدل
					اقتصادی
Concept/ Year	نرخ	نرخ تضعیف تربیت اقتصادی	Dmnl	کمکی	انتظار رکود علمی
Percent	کمکی	تدبیر معاش و زندگی اقتصادی	Year	کمکی	زمان انتظار رکود علمی
Percent	کمکی	درک و فهم مسائل اقتصادی	Percent	کمکی	غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی
Percent	کمکی	رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی	Percent	کمکی	جامعه صالح و پیشرفت مداوم
Percent	کمکی	فقر، فساد و تبعیض			



شکل ۲. نمودار حالت- جریان مدل پویایی سیستم تربیت اقتصادی در برنامه درسی

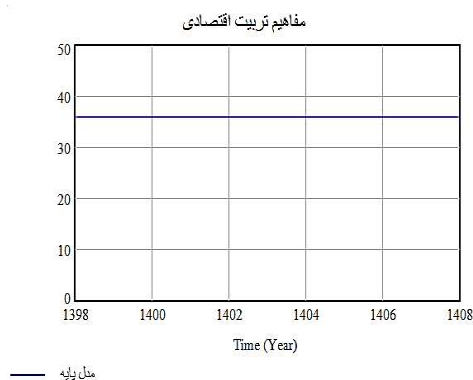
۱. بررسی سناریوهای مختلف تربیت اقتصادی

در پی مشخص شدن ابعاد و ساختار الگو، با استفاده از نرم افزار Vensim، شبیه سازی اولیه مدل در افق زمانی ده ساله انجام شد. رفتار متغیر تربیت اقتصادی نظام تعلیم و تربیت ابتدایی مبتنی بر سناریوی تقویت روند موجود (سال مبنا: ۱۳۹۸)^۱ با مقادیر متفاوت برای سال‌های مختلف، افزایشی پیش‌بینی شده است. در ادامه، سیاست‌ها و راهبردهای پیشنهادی در شش محور طراحی شده تشریح می‌شود.

در جدول ۳ اطلاعات مرتبط با الگوی مرجع نشان می‌دهد تربیت اقتصادی در وضعیت پایه و بدون مداخله متغیرهای حالت با نرخ تضعیف ۰/۲۰، روندی ثابت را تجربه می‌کند.

جدول ۳. الگوی پایه تربیت اقتصادی

Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
مفاهیم تربیت اقتصادی: مدل پایه	36	36	36	36	36	36	36	36	36	36	36

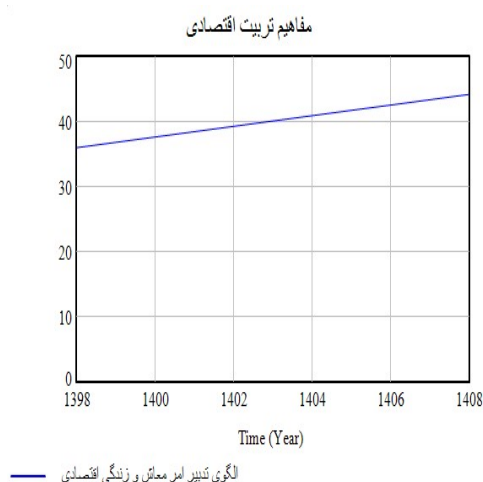


۱. طرح اولیه مصوبه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ملحوظ داشتن ساحت تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در این سند از سال ۱۳۸۹ مطرح و در سال ۱۳۹۰ ابلاغ شد؛ براین اساس، اندیشیده شد که با در نظر داشتن این نکته که پس از گذشت حدود ده سال از طرح اولیه موضوع مورد نظر در جوامع علمی و پژوهشی نظام‌های تعلیم و تربیت، ادراکی جامع و شفاف از ضرورت و اهمیت آموزش‌دهی این مقوله به دانش‌آموزان در پایه‌های نخست تحصیلات و التزام برنامه‌های درسی به پوشش دادن حساب‌شده، نظام‌مند و منطقی آن شکل گرفته باشد؛ بنابراین، ضرورت برآورد پویایی مفاهیم آموزش تربیت اقتصادی- حرفه‌ای از سال ۱۳۹۸ تا ده سال آتی، یعنی سال ۱۴۰۸ مورد نظر قرار گرفت.

سناریوی اول بر مبنای فراوانی مضامین تدبیر معاش و زندگی اقتصادی در حالت تایم استپ چهار در واحد زمان و نرخ تقویت ۰/۱۷ و کسر انتظار رکود علمی نشان می‌دهد نرخ تقویت مضامین تربیت اقتصادی طی بازه زمانی شبیه‌سازی شده از نوع افزایشی است (شکل ۳)؛ به گونه‌ای که براساس اطلاعات مندرج در جدول ۴، به ازای هر سال، با در نظر داشتن نرخ تضعیف، انتظار میزان تقویت مضامین تربیت اقتصادی، معادل با ۴/۰۸ واحد است.

جدول ۴. الگوی تدبیر معاش و زندگی اقتصادی در تربیت اقتصادی

Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
مفاهیم تربیت اقتصادی: تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی	36	40.08	44.16	48.24	52.32	56.4	60.48	64.56	68.64	72.72	76.8

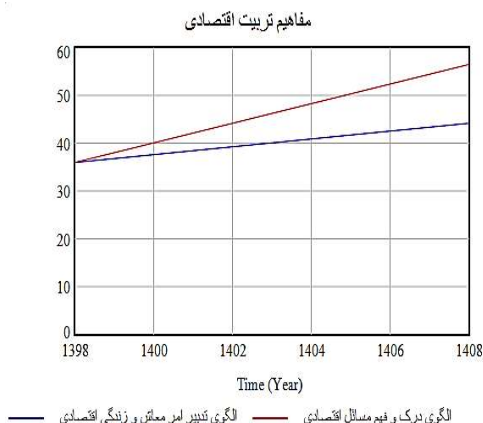


شکل ۳. الگوی پایه تربیت اقتصادی

سناریوی دوم مرتبط با الگوی مضامین درک و فهم مسائل اقتصادی در حالت تایم استپ چهار در واحد زمان و نرخ تقویت ۰/۲۵ و کسر انتظار رکود علمی، حاکی از آن است که نرخ تقویت مضامین تربیت اقتصادی طی بازه زمانی شبیه‌سازی شده از نوع افزایشی است (نمودار ۲). در این وضعیت، براساس اطلاعات مندرج در جدول ۵ به ازای هر سال با در نظر داشتن نرخ تضعیف، میزان تقویت مضامین تربیت اقتصادی، معادل با ۵ واحد خواهد بود.

جدول ۵. الگوی درک و فهم مسائل اقتصادی در تربیت اقتصادی

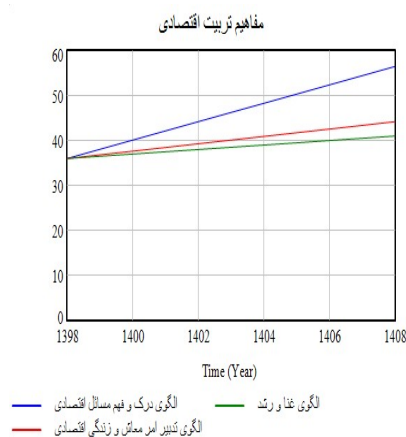
Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
مفاهیم تربیت اقتصادی: مدل درک و فهم مسائل اقتصادی	36	45	54	63	72	81	90	99	108	117	126



سناریوی سوم مرتبط با الگوی غنا، کفاف، عمران و رشد اقتصادی بر مبنای فراوانی مضامین متغیر مورد نظر در حالت تایم استپ چهار در واحد زمان و نرخ تقویت ۰/۱۴ و کسر انتظار رکود علمی نشان می‌دهد نرخ تقویت مضامین تربیت اقتصادی طی بازه زمانی شبیه‌سازی شده از نوع افزایشی است (نمودار ۳). بر مبنای اطلاعات جدول ۶ انتظار می‌رود در بازه زمانی پیش‌بینی شده، به ازای هر سال با در نظر داشتن نرخ تضعیف، میزان تقویت مضامین تربیت اقتصادی، معادل با ۲/۰۸ واحد باشد.

جدول ۶. الگوی غنا، کفاف، عمران و رشد اقتصادی در تربیت اقتصادی

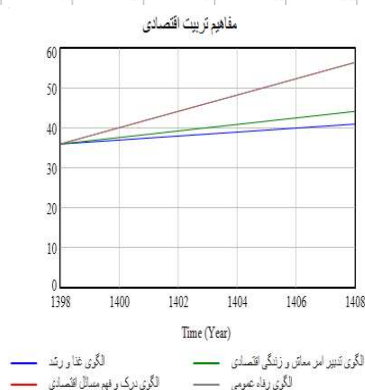
Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
مفاهیم تربیت اقتصادی: مدل غنا، رشد و انتظار اقتصادی	36	38.8	41.6	44.4	47.2	50	52.8	55.6	58.4	61.2	64



سناریوی چهارم مرتبط با الگوی رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی در حالت تایم استپ چهار در واحد زمان و نرخ تقویت ۰/۲۵ و کسر انتظار رکود علمی، حاکی از آن است که نرخ تقویت مضامین تربیت اقتصادی طی بازه زمانی شبیه سازی شده با مداخله صورت گرفته از نوع افزایشی است (نمودار ۴). براساس اطلاعات مندرج در جدول ۷، در بازه زمانی پیش بینی شده، به ازای هر سال با در نظر داشتن نرخ تضعیف، میزان تقویت مضامین تربیت اقتصادی، معادل با نه واحد خواهد بود.

جدول ۷. الگوی رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی در تربیت اقتصادی

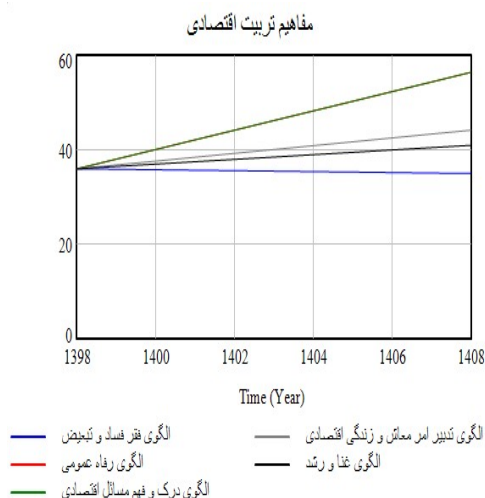
Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
مفاهیم تربیت اقتصادی : رفاه	36	45	54	63	72	81	90	99	108	117	126



سناریوی پنجم مرتبط با الگوی فقر، فساد و تبعیض، و مبتنی بر فراوانی مضامین متغیر موردنظر در حالت تایم چهار در واحد زمان و نرخ تقویت ۰/۰۵ و کسر انتظار رکود علمی نشان می‌دهد نرخ تقویت مضامین تربیت اقتصادی طی بازه زمانی شبیه‌سازی شده، از نوع افزایشی است (نمودار ۵). در این وضعیت، براساس اطلاعات جدول ۸، در بازه زمانی پیش‌بینی شده، به ازای هر سال با در نظر داشتن نرخ تضعیف، میزان تقویت مضامین تربیت اقتصادی، معادل با ۰/۴ واحد پیش‌بینی شده است.

جدول ۸. الگوی فقر، فساد و تبعیض در تربیت اقتصادی

Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
مفاهیم تربیت اقتصادی: مدل فقر فساد و تبعیض	36	36.4	36.8	37.2	37.6	38	38.4	38.8	39.2	39.6	40

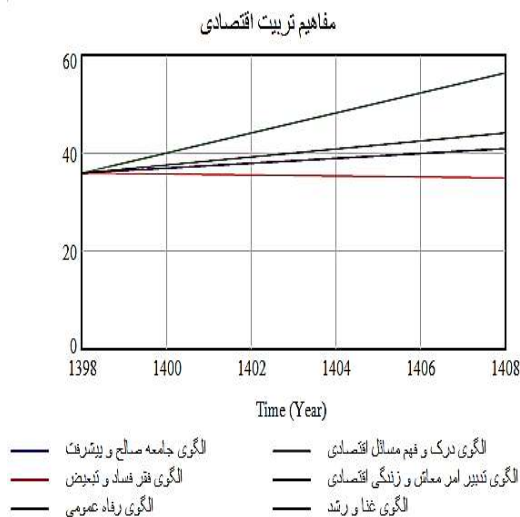


سناریوی ششم مرتبط با الگوی جامعه صالح و پیشرفت مداوم، مبتنی بر فراوانی مضامین متغیر موردنظر در حالت تایم چهار در واحد زمان و نرخ تقویت ۰/۱۴ و کسر انتظار رکود علمی، حاکی از آن است که نرخ تقویت مضامین تربیت اقتصادی طی بازه زمانی شبیه‌سازی شده براساس مداخله صورت گرفته، ثابت است (نمودار ۶). بر مبنای اطلاعات

جدول ۹، در بازه زمانی پیش‌بینی‌شده، به‌ازای هر سال با در نظر داشتن نرخ تضعیف، میزان تقویت مضامین تربیت اقتصادی، ثابت پیش‌بینی شده است.

جدول ۹. الگوی جامعه صالح و پیشرفت مداوم در تربیت اقتصادی

Time (Year)	1398	1399	1400	1401	1402	1403	1404	1405	1406	1407	1408
نرخ تقویت: مدل جامعه صالح و پیشرفت	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8



بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تردید، در نظام‌های تعلیم و تربیت، برنامه درسی و رویکردهای آن به آموزش اقتصاد و مفاهیم اقتصادی اهمیت فراوان دارد؛ زیرا با ایجاد فرصت‌های مناسب، فراگیران در معرض تجاربی مؤثر قرار می‌گیرند که به‌مدد آن‌ها می‌توانند به مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اقتصادی خود شکل و جهت بدهند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد نسبت پرداختن به ابعاد متنوع تربیت اقتصادی و اصول و مفاهیم آن در منابع درسی از نظم ساختاریافته و نیازسنجی اندیشیده تبعیت نمی‌کند (سیدی، درتاج و جلالی، ۱۳۹۰؛ احمدی، امام‌جمعه و علیزاده کتنلوئی، ۱۳۹۴؛ علیپور، ناطقی و فقیهی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، در مطالعه حاضر کوشیده‌ایم خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین را به‌گونه‌ای نظام‌مند پر کنیم. دستاورد پژوهش درخصوص

الگوی پایه، گویای روند انباشت مفاهیم تربیت اقتصادی در وضعیت نرخ تضعیف ۰/۲۰ با روند ثابت است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد یکی از ابعاد مهم تربیت اقتصادی- حرفه‌ای، تدبیر معاش و زندگی اقتصادی است. سرمایه‌های انسانی نظام تعلیم و تربیت از همان نخستین سال‌های تحصیل باید به گونه‌ای پرورش یابند که در سنین بزرگسالی و به دنبال ورود به زندگی خانوادگی و عهده‌دار شدن مسئولیت‌های اجتماعی در فعالیت‌های دارای ماهیت اقتصادی به نحو شایسته حضور یابند و در تفسیر و تعبیر تحولات وقایع اقتصادی جامعه، عملکردی توأم با توانمندی داشته باشند. بی‌تردید، این قابلیت‌ها از همان سال‌های نخست تحصیل در نظام آموزشی، از مسیر آموخته‌های قبلی دانش‌آموختگان در برنامه‌های درسی آشکار و پنهان، و کاربردبخشیدن به آن‌ها در بستر زندگی خانوادگی و در تعامل با دیگر نهادها و مسائل و مفاهیم اقتصادی زندگی روزمره شکل می‌گیرند و تقویت می‌شوند. یکی از ابعاد تدبیر معاش و زندگی اقتصادی، برعهده‌گرفتن مسئولیت‌های مالی است. درپی توسعه توان پاسخ‌گویی و مواجهه با مسائل و مشکلات اقتصادی در زندگی روزمره، همان‌گونه که نتایج مطالعه آنتونی، اسمیت و میلر (۲۰۱۴) نشان می‌دهد، توان تدبیر معیشت و زندگی اقتصادی در فراگیران افزایش می‌یابد. والسند (۲۰۰۷) نیز توان شناختی افراد در سرپرستی خانواده، بهبود الگوهای مصرف و حضور شهروندان ارزش‌آفرین را در توان مدیریت امور اقتصادی، مؤثر دانسته است. یکی از دیگر وجوه تدبیر معاش، صرفه‌جویی و استفاده درست از امکانات، نظم و استفاده صحیح از زمان است. همسو با مطالعه شادفر، نیلی و قاسمی (۱۳۹۶)، استفاده بهینه از دارایی‌ها و تخصیص درآمد از سوی خانواده، نیازمند دانش، مهارت، تدبیر و برنامه‌ریزی است که بی‌تردید، در نتیجه اجرای برنامه‌های درسی اصولی و سنجیده، و آموزش‌های بنیادی و کاربردی در دانش‌آموزان طی سال‌های تحصیل، و توسعه و تقویت آن‌ها در سنین بزرگسالی و زندگی شهروندی حاصل می‌شود.

در مباحث اقتصاد آموزش، تقویت الگوی درک و فهم مسائل اقتصادی از جمله اصول محوری است و بهره‌مندی از دانش بنیادین، و درک و فهم اصول اقتصادی، مبنای کاربست آن‌ها در تدبیر معاش و زندگی اقتصادی به‌شمار می‌آید. در چهارچوب مبانی علم اقتصاد

آموزش، ضرورت انتخاب عقلایی برای تخصیص منابع به امور مختلف در مواجهه با کمیابی به عنوان موضوع محوری، ضرورتی انکارناپذیر است و مبنای انتخاب عقلایی افراد، محاسبه میزان منافع و هزینه هاست؛ بدان معنا که هر قدر منافع یک تصمیم از هزینه های آن بیشتر باشد، رفتار تخصیص منابع به آن تصمیم و فعالیت، عقلایی تر خواهد بود. در این حوزه، ارزیابی میزان تولیدات و درآمد حاصل از فروش آنها، سطح قیمت و هزینه فعالیت ها، و شرایط عرضه و تقاضا در چهارچوب سازوکار بازار از جمله عواملی هستند که بر تصمیمات تخصیص منابع عاملان اقتصادی اثر می گذارند؛ بدین ترتیب، اقدامات برنامه ریزی شده و اثربخش در راستای توسعه دانش، آگاهی و مهارت افراد از مسیر آموزش های رسمی در فرایند تعلیم و تربیت می تواند فرصتی بسیار مؤثر را برای اتخاذ تصمیمات عقلایی جهت تخصیص بهینه منابع در وضعیت کمیابی فراهم کند. بی تردید، لازمه تحقق یافتن این مسئله، بهره مندی از برنامه درسی نظام مندی است که در بستر آن، دانش، زمینه درک و فهم و کاربرد این مفاهیم به صورت مستمر و متناسب با سطح شناختی دانش آموزان به تفصیل و به شکل عملیاتی و کاربردی پیش بینی و اجرا شود. پرورش مهارت ها، ارزش ها و دانش سازمان دهی شده برای توسعه فراگیران، همان گونه که آکاروهو (۲۰۱۸) نیز اذعان داشته است، زمینه مساعد برای درک و شناخت مسائل اقتصادی و کاربری آنها را توسعه می دهد. ناصرالمعمار، سبحانی و حسن مرادی (۱۴۰۰) نیز بعد آموزش دانش مالی، آموزش ارتباط مالی، توانمندسازی مالی، آموزش رفتار مالی، اعتماد مالی و نظارت مالی را مستلزم آموزش دهی این مفاهیم و کاربری آنها از سال های مقدماتی تحصیل در چهارچوب برنامه درسی دانسته اند.

یکی از دیگر ابعاد تربیت اقتصادی - حرفه ای، غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی است که به بهره مندی جامعه از شهروندان آگاه و متخصصی نیاز دارد که سکان داران دستیابی نظام کلان جامعه به رشد اقتصادی و توسعه پایدار باشند. شورای تربیت اقتصادی (۲۰۱۰) غنا، رشد و توسعه اقتصادی را منوط به این مسئله دانسته است که شهروندان یک جامعه آموخته باشند که دستیابی به فرصت های کاری ارزش آفرین و مولد و تبدیل آنها به ارزش افزوده از چه قواعد و اصول علمی ای تبعیت می کند تا در چهارچوب برنامه های درسی و

آموزش‌های هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده، دیدگاه‌های ارزشی‌ای نظیر ارزشمندی کار و فعالیت در آن‌ها درونی شود. دیگر دستاورد این بخش از مطالعه، تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی مردم، و خودکفایی در اقلام راهبردی است. کشتی‌آرای، عمادزاده و یزدانی (۱۳۹۷) در مقاله خود نشان داده‌اند لازمه دستیابی به عدالت و رفاه ملی، تحقق یافتن رشد اقتصادی و توزیع عادلانه آن است. از سویی به‌منظور تحقق نظام اقتصادی غنی و رشدیافته، آگاهی از سیاست‌های مالی و اقتصادی در سطوح مختلف و با ادبیات قابل فهم متناسب با سطح دانشی و شناختی افراد، ضرورتی مسلم به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، هرقدر نظام تعلیم و تربیت به‌ویژه در دوره ابتدایی از برنامه‌های درسی مرتبط و ساختاریافته‌تری در این عرصه برخوردار باشد، امید به ساخت آینده‌ای شکوفا و توسعه‌یافته از لحاظ اقتصادی، بیشتر خواهد بود.

یکی از دیگر وجوه تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، رویکرد رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی است. فسادستیزی، مردم‌محوری و توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدید، لازمه دستیابی جامعه به توسعه پایدار، رشد اقتصادی و توزیع عادلانه و کارایی محور است. یافته‌های مطالعه آداک و یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۸) نشان می‌دهد درآمدهای مشروع و حاصل‌شده از کسب و کار حلال در قوام زندگی فرد و جامعه، و زینت و آرامش زندگی دنیا جایگاه ویژه دارد؛ بنابراین، از همان سال‌های نخست تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش و از مسیر طراحی و تدوین برنامه‌های درسی نظام‌مند و کاربردی باید به دانش‌آموزان آموخت که با توجه به آیات و روایات، مال و ثروت نه تنها خوب است؛ بلکه هر مسلمان آگاهی وظیفه دارد در کسب آن بکوشد و جامعه خویش را در رشد اقتصادی یاری دهد. از سویی همان‌گونه که شادفر، نیلی و قاسمی (۱۳۹۶) در مقاله خویش تأکید کرده‌اند، کسب روزی از راه‌های مشروع، الزام به پرداخت خمس و زکات و صدقه، و کمک به نیازمندان، اصول ارزشی و هنجارمداری هستند که زمینه شکل‌گیری و نهادینه‌سازی آن‌ها در ساخت شناختی، اندیشه، گفتار و عملکرد افراد باید از سنین کودکی و از مسیر آموزش‌های رسمی و برنامه‌های درسی پنهان در مدارس فراهم شود.

جامعه صالح و پیشرفت مداوم، محصول سلامت جامعه در عرصه‌هایی متنوع همچون سلامت اقتصادی است. یکی از شاخص‌های بسیار مؤثر تحقق رفاه اجتماعی، دسترسی عادلانه و کارایی محور افراد جامعه به موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی است که شایسته‌سالاری در

توزیع منابع و فرصت‌ها، و شایسته‌پروری در راستای اولویت‌های آینده‌نگر و آینده‌ساز از لوازم آن به‌شمار می‌آید. ویسه، ناطقی و رضایی (۱۴۰۱) و نیز چن، لین و وان (۲۰۲۱) در مطالعات خود نشان داده‌اند پیچیدگی و حساسیت رویدادهایی نظیر پرهیز از بیکاری، التزام به اخلاق و ارزش‌ها، و عدالت اقتصادی به‌گونه‌ای است که آموزش‌دهی آن‌ها و ایجاد دانش، آگاهی، تخصص و مهارت در به‌کارگیری و تحلیلشان باید از دوران آموزش پایه و ابتدایی مورد توجه قرار گیرد و به‌صورت معنادار و تراکمی در اندیشه و باور افراد (فراگیران امروز و شهروندان فردای جوامع) نهادینه شود. از سویی آداک و یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۸) نیز توجه و تشویق به همکاری، اهمیت و ارزش تلاش و پشتکار و خوداتکائی و رشد و توسعه اقتصادی را در سایه نگاه آینده‌نگر و آینده‌ساز، مستلزم برنامه‌ریزی و آموزش‌دهی اصول و قواعد مرتبط با شهروندان آینده از سنین کودکی و دوره‌های اولیه تحصیل دانسته‌اند.

فقر، فساد و تبعیض، تابع شدت وضعیت رواج مفاسد اقتصادی است که عاملان بروز آن، برخی شهروندان در مقام سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان یا عاملان اقتصادی‌اند که عمدتاً محصول نظام تعلیم و تربیت جامعه هستند. مسلماً نهادینه‌سازی مذمت این‌گونه رفتارها، و شکل‌گیری و توسعه دانش و اصول اخلاقی مقابل آن‌ها مستلزم این است که نظام تعلیم و تربیت در چهارچوب برنامه‌های درسی به‌صورت بنیادین و از سنین کودکی به آموزش اقتصاد اقدام کند. درواقع، دستیابی به آنچه برخی پژوهشگران از جمله دارمایانتی و خیرالنسا (۲۰۲۴) و کشتی‌آرای، عمادزاده و یزدانی (۱۳۹۷) مبنی بر تحقق یافتن عدالت اجتماعی، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، فسادستیزی، خودکفایی در اقلام راهبردی، بهره‌برداری معقول و مناسب از ثروت جامعه، و تأکید بر کارآفرینی و خلق ثروت مشروع و در نتیجه، تقویت انگیزه افراد توانمند و خلاق برای کارآفرینی و هدایت استعدادهای جامعه به سمت فعالیت‌های اقتصادی ذکر کرده‌اند، مستلزم برنامه‌ریزی اصولی برای شکل‌گیری و توسعه این قابلیت‌ها در بستر برنامه‌های درسی نظام‌مند از سال‌های ابتدایی تحصیل در نظام تعلیم و تربیت است. ویسه، ناطقی و رضایی (۱۴۰۱) نیز در مقاله خود، پرهیز از بیکاری، التزام به اخلاق و ارزش‌ها، و عدالت اقتصادی را عامل افزایش توان دولت برای وضع کردن مقررات کارآمد و اصلاح نواقص بازار دانسته‌اند. چنانچه دولت نتواند نقش نظارتی خود را در بازارهای مالی، بازار کار و مراکز عرضه خدمات عمومی به‌خوبی ایفا کند، اثرات منفی آن در عملکرد اقتصادی

آحاد جامعه مشاهده خواهد شد؛ بنابراین، آشنایی دانش‌آموزان امروز که سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان فردای جوامع هستند، با اصول و قواعد سلامت اقتصادی، و درونی‌سازی باورها و ارزش‌های مرتبط با آن، میزان پذیرش، باور و کاربست این اصول در آینده را تسهیل و تقویت خواهد کرد.

مطالعات انجام‌شده درباره تربیت اقتصادی نشان می‌دهد دسترسی‌ناداشتن به شبکه‌ای جامع، نظام‌مند و پویا از مضامین و شاخص‌های مرتبط، و فقر پژوهش‌های کمی انجام‌شده در این زمینه، ارزیابی وضعیت موجود، و برآورد و پیش‌بینی روندهای آتی توسعه مضامین تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی را با محدودیت مواجه کرده است؛ بدین ترتیب، یکی از اقدامات اصلاحی و توسعه‌ای پیشنهادی، توجه به الگوبرداری و بهره‌گیری از الگوها و تجارب موفق فراملی مرتبط با تربیت اقتصادی، بومی‌سازی و انطباق آن‌ها با ارزش‌ها و مبانی فلسفی و اجتماعی و اولویت‌های علمی و فرهنگی نظام آموزش و پرورش ایران، و تدارک زمینه‌های مطلوب و اثربخش برای عرضه و اجرای مناسب و کارآمد آن‌ها در برنامه‌های درسی است.

پیشنهاد دیگر برای رسیدن به اهداف اقتصادی مطلوب و موردانتظار سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی با رویکرد بازخوانی و توسعه مؤلفه‌های تربیت اقتصادی است. در این راستا، مسئولان نظام آموزشی باید با به‌کارگیری رویکرد تلفیقی در محتوای کتاب‌های درسی درخصوص توسعه و تقویت مضامین تربیت اقتصادی به‌صورت عمودی و افقی در چهارچوب اصول ارزشی نظام جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ریزی‌هایی سنجیده و اصولی انجام دهند.

رویه پیشین پژوهش‌های مرتبط با ساحت تربیت اقتصادی، از نظم منطقی و شمول جامع و همه‌جانبه ابعاد و مفاهیم تربیت اقتصادی برخوردار نیست و در آن‌ها مفاهیم مرتبط با تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی با وزنی متفاوت و جریانی نامشخص مطرح و بررسی شده است؛ بنابراین، انجام‌دادن مطالعاتی با رویکرد آینده‌نگری و با هدف ساختن آینده‌ای مطلوب و اثربخش درحوزه تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی با مشارکت افراد ذی‌نقش، ذی‌ربط، ذی‌نفع و ذی‌صلاح (اعم از سیاست‌گذاران، مدیران، تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان، و مجریان) اهمیت فراوان دارد.

از آنجا که نقطه آغاز فرایند یاددهی- یادگیری در کلاس درس، آموزش‌دهی معلمان و دانش، تخصص، مهارت و تسلط آن‌ها بر محتوای کتاب‌های درسی است، باید در دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان مهد تربیت معلمان نظام جمهوری اسلامی ایران، واحد درسی اقتصاد آموزش‌وپرورش در سرفصل دروس تخصصی مقاطع آموزش عالی قرار گیرد و اقدامات اساسی برای توسعه سرمایه انسانی تربیت اقتصادی در دانشجو- معلمان این دانشگاه که معلمان فردای نظام آموزش‌وپرورش کشور هستند، انجام شود.

مؤلفه «جامعه صالح و پیشرفت مداوم» را باوجود برخورداری از دامنه معنایی وسیع می‌توان به‌عنوان مضمونی فراگیر بررسی و واکاوی کرد و مضامین سازمان‌دهنده اولیه و ثانویه مرتبط با آن را شناسایی، تحلیل و تبیین کرد؛ با این حال، از آنجا که در مطالعه حاضر، «تربیت اقتصادی- حرفه‌ای» در برنامه درسی ابتدایی به‌عنوان مضمون فراگیر، مبنای مطالعه قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، پژوهشگران با محور قراردادن این مؤلفه در بحث تربیت اقتصادی، به مرور نظام‌مند منابع علمی، پدیدارشناسی مفهوم موردنظر و احصای مضامین آن پردازند و الگویی نظری، تجربی و ساختاریافته را در این حوزه پیشنهاد دهند. درنهایت، در مطالعه حاضر، الگوی مفهومی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در چهارچوب شاخص‌های سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش طراحی و تدوین شده و بنابراین، شایسته است با هدف بهسازی روند توسعه تربیت اقتصادی در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، سناریوهایی جدید بر مبنای داده‌های مستخرج از برگزاری گروه‌های کانونی و پنل‌های خبرگانی تدوین شود و برآوردهای آتی برپایه تحلیل داده‌های حاصل از این رویکردهای پژوهشی صورت گیرد. در همین راستا، کاربرست داده‌های مستخرج از مطالعات موفق فراملی و تطبیق آن‌ها با داده‌های مطالعات داخلی نیز می‌تواند دستاوردهایی مطلوب برای غنی‌سازی تربیت اقتصادی- حرفه‌ای در نظام ملی آموزش‌وپرورش کشور داشته باشد.

منابع

آداک، موسی؛ و یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر مبنای تربیت اقتصادی. مجله علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۶(۲)، ۱۱۵-۱۲۸.
doi:10.22070/tlr.2019.3323

الگوی پویای تربیت اقتصادی- حرفه‌ای براساس سند تحول بنیادین در برنامه درسی دوره ابتدایی/ شهریانو خشکاب ۳۳

ابراهیمی هرستانی، اصغر (۱۳۹۷). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اقتصادی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی برای دوره‌های ابتدایی و اول متوسطه. (رساله دکتری). دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران.

احمدی، غلام‌علی؛ امام‌جمعه، سید محمدرضا؛ و علیزاده کتنلوئی، لیلا (۱۳۹۴). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۲(۲۰)، ۱۷۹-۱۹۲.

<https://sid.ir/paper/127396/fa>

اسدی، نصرالله؛ و حسینی، سید رضا (۱۳۹۹). الگوی تخصیص درآمد خانواده با رویکرد اسلامی. مجله معرفت اقتصادی اسلامی، ۱۲(۱)، ۲۷-۴۸.

<https://marefateeqtesadi.nashriyat.ir/node/368>

اصلانی، غفت؛ والا، رضا؛ و ناظم، فتاح (۱۴۰۲). ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم (مطالعه موردی: مدارس متوسطه دوم استان البرز). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۹(۲)، ۱-۱۲.

doi:10.22034/ijes.2022.548588.1267

امامی، محمد (۱۳۹۵). نگاهی قرآنی به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان. آموزه‌های قرآنی، ۲۳، ۷۹-۱۰۶.

https://qd.razavi.ac.ir/article_384.html

بشیریان، سمیه؛ سلیمان‌پور عمران، عمران؛ و افراسیابی، رؤیا (۱۴۰۱). شناسایی شاخص‌های مؤثر بر تربیت اقتصادی با رویکرد کارآفرینی در دوره ابتدایی آموزش و پرورش خراسان شمالی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۹(۷۴)، ۱۴۹-۱۶۰.

doi:10.30486/jsre.2023.1949385.2071

پیغامی، عادل؛ و تورانی، حیدر (۱۳۹۰). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا: ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول. فصلنامه

نوآوری‌های آموزشی، ۳۷(۹)، ۳۱-۵۲. <https://sid.ir/paper/75672/fa>

خنیفر، حسین؛ و مسلمی، ناهید (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (جلد ۱). تهران: نشر نگاه دانش.

روشندل، آرمان؛ امیری، هادی؛ و طغیانی، مهدی (۱۳۹۷). سواد مالی و ضرورت سنجش آن در

- نظام نوین آموزشی: مطالعه موردی شهرضا. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۳(۱)، ۶۷-۸۶.
doi:10.22108/nea.2018.103011.1059
- زرگر، سید محمد (۱۳۹۲). طراحی و ارائه مدلی برای تدوین استراتژی افقی در شرکت‌های چندکسب‌وکار. (رساله دکتری). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
سیدی، بتول؛ و احمدی، پروین (۱۳۹۹). تبیین عناصر برنامه درسی تربیت اقتصادی در دوره آموزش عمومی. مطالعات برنامه درسی، ۱۴(۵۵)، ۵-۴۴.
https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354986.1398.14.55.1.8
- سیدی، بتول؛ درتاج، فربرز؛ و جلالی، عبدالمجید (۱۳۹۰). بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۶(۴۹)، ۳۵-۶۹.
https://ijer.atu.ac.ir/article_3009.html
- سیف، علی اکبر (۱۴۰۲). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش (چاپ ۳۴) (ویراست ۷). تهران: ناشر دوران.
- شادفر، حوریه؛ نیلی، محمدرضا؛ و قاسمی، وحید (۱۳۹۶). بررسی میزان توجه به شاخص‌های اقتصادی سبک زندگی مبتنی بر توسعه اسلامی-ایرانی در محتوای برنامه درسی دوره ابتدایی و شیوه آموزش معلمان. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۲(۲)، ۷۷-۹۷.
doi:10.22108/nea.2018.95925.0
- طغیانی، مهدی؛ و پیغامی، عادل (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت اقتصادی (چاپ ۱). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود؛ مرادی، سمانه؛ ادیب، یوسف؛ و اصغرپور، حسین (۱۳۹۹). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان به‌لحاظ توجه به تربیت اقتصادی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۴(۴۷)، ۱۲۵-۱۵۳.
doi:10.30487/rwab.2021.135892.1414
- علیپور، فاطمه؛ ناطقی، فائزه؛ و فقیهی، علیرضا (۱۳۹۶). جایگاه تربیت اقتصادی مبتنی بر اخلاق اسلامی در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی ایران: بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی جهت تحقق وضعیت مطلوب. پژوهش‌های اخلاقی، ۸(۱)، ۱۳۰-۱۰۷.
http://akhlagh.saminattech.ir/Article/16732
- قبادی، آیت؛ نظری، داریوش؛ گراوند، مجتبی؛ و شاهرخی، سید علاءالدین (۱۳۹۸). تبیین آموزه

- های تربیت اقتصادی در سیره علوی. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۵(۱)، ۶۱-۷۹.
- قندهاری، آزاده؛ مهرمحمدی، محمود؛ طلایی، ابراهیم؛ و فرجی دیزجی، سجاد (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در کشورهای اسکاتلند، چین و استرالیا، و ارائه دلالت‌هایی برای تربیت اقتصادی در ایران. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۵(۳)، ۷۸-۵۹. <http://qjoe.ir/article-1-1953-fa.html>
- کاکوجویاری، علی‌اصغر (۱۳۹۱). مسئولیت آموزش و پرورش در تربیت اقتصادی دانش‌آموزان، *رسانه معلمان*، (۹۲)، ۱۴.
- کشتی‌آرای، نرگس؛ عمادزاده، مصطفی؛ و یزدانی، ابوالفضل (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برای طراحی در برنامه درسی آموزش و پرورش ایران. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۱(۴۰)، ۸۵-۹۹. <https://www.magiran.com/p2347134>
- گویا، زهرا؛ فیروزیان، اطهر؛ و غلام‌آزاد، سهیلا (۱۳۹۸). ارتقای سواد مالی و تصمیم‌گیری مالی از طریق برنامه درسی ریاضی مدرسه‌ای. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۴(۵۴)، ۱-۳۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354986.1398.14.54.1.6>
- مرادی، سمانه؛ طهماسب‌زاده شیخ‌لار، محمود؛ ادیب، یوسف؛ و اصغرپور، حبیب (۱۴۰۰). طراحی چهارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان. *مجله علمی پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱۱(۲)، ۱۷۲-۱۹۶. [doi:10.22099/jcr.2021.6461](https://doi.org/10.22099/jcr.2021.6461)
- ناصرالمعمار، احسان؛ سبحانی، عبدالرضا؛ و حسن‌مرادی، نرگس (۱۴۰۰). طراحی برنامه آموزش سواد مالی (مورد مطالعه: مدارس دوره اول متوسطه کشور). *فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۱(۵)، ۳۳۲-۳۵۰. https://www.islamiilife.com/article_187581.html
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران.
- وفایی، رضا؛ فضل‌اللهی قمشی، سیف‌الله؛ و طالعی فرد، احمد (۱۳۹۶). بررسی میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب‌های درسی *مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی*. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۲)، ۱۳۱-۱۵۴. [doi:10.29252/qaie.2.2.131](https://doi.org/10.29252/qaie.2.2.131)
- ویسه، ایوب؛ ناطقی، فائزه؛ و رضایی، محمدهاشم. (۱۴۰۱). اعتباریابی و طراحی الگوی تربیت

- اقتصادی- حرفه‌ای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه. پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ۱۲(۱)، ۳۹-۵۶. <https://sanad.iau.ir/Journal/jcdepr/Article/1082051>
- Akarowhe, K. (2018). Roles of Economics Education in Sustainable National Development. *Journal of Global Economics*, (6) 3. 1-3. 298. doi: 10.4172/2375-4389.1000298
- Anthony, K. V.; Smith, R. C.; and Miller, N. C. (2014). Pre-Service Elementary Teachers' Economic Literacy: Closing Gates to Full Implementation of the Social Studies Curriculum. *The Journal of Social Studies Research*, 39(1), 29-37. doi:10.1016/j.jssr.2014.04.001
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
- Braun, V.; and Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. doi: 10. 1177/ 146879410100100307
- Carlson, A.; and Palmer, C. (2016). A Qualitative Meta-Ynthesis of the Benefits of Ecolabeling in Developing Countries. *Ecological Economics*, 127, 129-145. doi:10.1016/j.ecolecon.2016.03.020
- Chen, B.; Lin, W.; and Wang, A. (2021). The Causal Impact of Economics Education on Ecision-Making: Evidence from a Natural Experiment in China. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 188(C), 1124-1143. doi:10.1016/j.jebo.2021.06.018
- Darmayanti, M.; and Khairunnisa, A. (2024). Financial Literacy Teaching Module Based on Social Inquiry Model in Elementary School Social Studies. *International Journal of Elementary Education*, 8(1), 150-158. doi:10.23887/ijee.v8i1.65725
- Given, L. M. (2008). *The Sage Encyclopedia of Qualitative Methods*. 1(2), California: Sage publications.
- Fernando, G. C.; and Arrieta, G. S. (2023). Income, Expenses and Expenditure Patterns of Elementary Public-School Teachers: Inputs to a Proposed Financial Literacy Program. *International Journal of Social Learning (IJSL)*, 4(1), 129-141. doi:10.47134/ijsl.v4i1.226
- Hota, S. P. (2023). Education Infrastructure, Expenditure, Enrollment and Economic Development in Odisha, India. *International Journal of Educational Development*, 103, 102903. doi:10.1016/j.ijedudev.2023.102903
- Kang, R. (2007). *Pk-8 Preservice Teachers' Intentions to Teach Economics: An Application of the Theory of Reasoned Action and the Theory of Planned Behavior*. (Doctoral Dissertation), Texas A and M University.
- Kourilsky, M. (1977). The Kinder-Economy: A Case Study of Kindergarten Pupils' Acquisition of Economic Concepts. *The Elementary School Journal*,

- 77(3), 182-191. <https://www.jstor.org/stable/1000877>
- Lusardi, A. (2019). Financial Literacy and the Need for Financial Education: Evidence and Implications. *Swiss Journal of Economics and Statistics*, 155(1), <https://sjes.springeropen.com/articles/10.1186/s41937-019-0027-5>
- Sterman, J. D. (2000). *Business Dynamics: Systems Thinking and Modeling for a Complex World*. McGrawHill Higher Education.
- Tuong, V.; and Doan, M. D. (2020). The Correlation between Financial Literacy and Personal Saving Behavior in Vietnam. *Asian Economic and Financial Review*, 10(6), 590-603. doi:10.18488/journal.aefr.2020.106.590.603
- Varvarigos, D. (2020). Cultural Transmission, Education-Promoting Attitudes, and Economic Development. *Review of Economic Dynamics*, 37, 173-194. doi:10.1016/j.red.2019.11.005
- Walstad, W. B. (2007). Five Developments Advancing Economic Education in United States: The Role of the National Council on Economic Education. Retrieved from: *National Council on Economic Education*. <http://councilforeconed.org>.
- Werner, J.; and Desimone, R. (2009). *Human Resource Development* (First Edition). South Western Cengage Learning, USA.